

IT'S TIME TO GET US-AZERBAIJANI
RELATIONS BACK ON TRACKFOREIGN POLICY
Spring 2016
BY LUKE COFFEY

جمعه 13 فروردین 1395 - 00:17



President Ilham Aliyev of Azerbaijan meets U.S. President Barack Obama at the UN General Assembly.

Azerbaijan is an important, if often overlooked, country in regard to many of the challenges the US faces around the world, Washington DC, and Baku share many common challenges such as a resurgent Russia, an emboldened Iran, warring allies, growing China, and the rise of Islam.

مدیر بنیاد هریتیج آمریکا: زمان افزایش حضور آمریکا در آذربایجان فرارسیده است

لوک کافی LUKE COFFEY، مدیر بنیاد هریتیج آمریکا با انتشار مقاله ای در پایگاه اینترنتی «Visions of Azerbaijan» تاکید کرد زمان افزایش حضور آمریکا در جمهوری آذربایجان فرارسیده است.

به گزارش آران نیوز به نقل از خبرگزاری رسمی آذربایجان، در مقاله مدیر بنیاد هریتیج آمده است: «گرچه بعضا مورد توجه قرار نمی گیرد، اما آذربایجان از جهت بسیاری از مشکلاتی که آمریکا در دنیا با آنها مواجه است، کشوری بسیار مهم است. واشنگتن و باکو مشکلات مشترکی همچون روسیه در حال شکوفایی، ایرانی که جسارتش افزوده شده، متحدان مذذب، چین در حال گسترش و نیز افزایش افراط گرایی اسلامی دارند.»

لوک کافی با اشاره به اهمیت موقعیت استراتژیک جمهوری آذربایجان در منطقه ای که آسیا و اروپا را به هم متصل می کند، افزوده است: «ظاهر، خیلی از سیاستمداران آمریکا این واقعیت را فراموش می کنند. در این اواخر، آمریکا موضع کنار ماندن از جمهوری آذربایجان و قفقاز جنوبی و منطقه خزر را برگزیده است. اما، این وضعیت همیشگی نیست.» در این مقاله آمده است: «تاریخ مناسبات آمریکا و جمهوری آذربایجان به دوره پس از جنگ جهانی دوم و کنفرانس صلح پاریس باز می گردد. آن زمان، مراحل اولیه عمر کوتاه جمهوری دموکراتیک آذربایجان بود. علیرمدان بیگ توپچی باشوف، وزیر خارجه این جمهوری (رییس پارلمان جمهوری دموکراتیک آذربایجان)، برای اینکه آذربایجان مستقل را به طرف های پیروز جنگ جهانی دوم در کنفرانس پاریس بشناساند، در استانبول منتظر صدور ویزای فرانسه برای اعضای هیات نمایندگی کشورش بود و در آنجا گیر کرده بود. روزها و هفته ها و ماه ها گذشت، و صدور ویزا برای آنها به طول کشید. نهایتا، روبرت لانسینگ، وزیر خارجه وقت آمریکا به منظور کمک به دریافت ویزای هیات نمایندگی جمهوری آذربایجان، نامه ای به استافان پیشون، وزیر خارجه وقت فرانسه نوشت. پس از سه ماه، هیات تحت سرپرستی توپچی باشوف توانست به پاریس سفر کند. توپچی باشوف با وودرو ویلسون، رییس جمهوری وقت آمریکا دیدار کرد و این نیز منجر به شناسایی دفاکتوی جمهوری دموکراتیک آذربایجان شد. افسوس که عمر این جمهوری کوتاه شد و پس از

چند ماه، ارتش سرخ شوروی، آذربایجان را اشغال کرد و این جمهوری به ترکیب اتحاد جماهیر شوروی ملحق شد.» لوک کافی افزوده است: «پس از فروپاشی شوروی، جرج بوش رییس جمهوری آمریکا در 25 دسامبر 1991، در عید میلاد (مسیح) استقلال مجدد جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت. متأسفانه تا اواخر دهه 1990، آمریکا تمایل خود به برقراری مناسبات با جمهوری های شوروی سابق از جمله جمهوری آذربایجان را از دست داد. اما، این وضعیت بلافاصله پس از حملات یازده سپتامبر تغییر کرد و آمریکا برای استفاده از قفقاز و آسیای مرکزی به منظور ترانزیت و نقل و انتقال امن در جریان عملیات افغانستان، تصمیم به برقراری روابط با این منطقه در سطحی جدید گرفت. در این برهه، جمهوری آذربایجان اهمیت ویژه ای برای آمریکا داشت. جمهوری آذربایجان با همکاری با آمریکا در مبارزه با تروریسم بین المللی، کار دشواری را آغاز کرد. علاوه بر این، جمهوری آذربایجان با اعزام نیروهای صلح بانی اش به عراق و افغانستان نیز موافقت کرد. حتی برخی از نظامیان جمهوری آذربایجان از طرف همکاران آمریکایی خود تشویق نیز شدند. باکو همچنین راه های ترانزیت مهمی را برای آمریکا و ناتو گشود. در نقطه اوج عملیات ضدترور، یک چهارم از تجهیزات و ادوات نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان، از مسیر جمهوری آذربایجان و گرجستان منتقل شده است. در این مدت، بیش از یکصد هزار نفر از نیروهای ائتلاف بین المللی به هنگام عزیمت به افغانستان از مسیر هوایی جمهوری آذربایجان استفاده کرده اند.»

مدیر بنیاد هریتیج افزوده است: «باکو علاوه بر حمایت از ماموریت افغانستان، از بسیار جهات دیگر نیز برای آمریکا مهم است. برغم اینکه اکثریت اهالی جمهوری آذربایجان مسلمان است، این کشور جامعه ای لائیک است. جمهوری آذربایجان با اسرائیل و ترکیه روابط بسیار نزدیکی دارد و در جمهوری آذربایجان، بی اعتمادی به ایران حکمفرماست. این نیز سیاست خارجی جمهوری آذربایجان را با سیاست خارجی آمریکا به اشتراک می رساند. جمهوری آذربایجان بخشی از برنامه «مشارکت برای صلح» ناتو است و در تمرینات نظامی و برنامه های ناتو مشارکت می کند. گرچه جمهوری آذربایجان بطور فعال برای عضویت در ناتو تلاش نمی کند، اما به ماموریت های این سازمان می پیوندد و علاوه بر ترکیه و گرجستان، با سایر اعضا و همکاران ناتو مناسبات نزدیکی برقرار می کند.»

مدیر بنیاد هریتیج افزوده است: «برغم توسعه مناسبات آمریکا و جمهوری آذربایجان در پی واقعه 11 سپتامبر، سه عامل این مناسبات را تا حدی تضعیف کرد. اولین عامل، پاسخ نامشخص آمریکا به اشغال گرجستان توسط روسیه در سال 2008 بود. پس از این اشغال، سیاستمداران باکو قدرت و تاثیر آمریکا در منطقه را مورد سوال قرار دادند و در این مورد نیز حق داشتند. دومین عامل، واکنش غرب به الحاق کریمه به روسیه و اشغال شرق اوکراین می باشد. این نیز باکو را مجبور کرد که ارزش مناسبات با غرب را زیر سوال ببرد. حوادث گرجستان و اوکراین، به عنوان نشانه ضعیف بودن غرب تلقی شد. نهایتا نیز عقب نشینی آمریکا از افغانستان و پس از آن نیز قطع مرادوات با جمهوری آذربایجان و منطقه نیز بسیاری از افراد را در باکو مجبور کرد که ماهیت دوجانبه بودن مناسبات آمریکا-جمهوری آذربایجان را مورد سوال قرار دهند. در باکو این فکر ایجاد شده است که آمریکا به خواسته خود در جنگ افغانستان دست یافته است و اکنون احتیاجی به جمهوری آذربایجان ندارد.»

لوک کافی افزوده است: «به درست یا غلط، امروز در باکو این تصور شکل گرفته است که جمهوری آذربایجان در مساله حقوق بشر هدف انتقادات مداوم غرب بخصوص اروپا و آمریکا قرار می گیرد و برعکس، در مناسبات با چین و عربستان سعودی، موضوع حقوق بشر کاملا در سکوت نگه داشته می شود.»

مدیر بنیاد هریتیج توصیه کرده است: «مناسبات آمریکا با جمهوری آذربایجان باید رویکردی چندشاخه ای داشته باشد و مسایل انرژی، امنیت، حقوق بشر و موضوعات ژئوسیاسی را دربر بگیرد و صرفا موضوع حقوق بشر، بر سایر جهات مناسبات آمریکا-جمهوری آذربایجان برتری نیابد. اما، مشاهده می شود که در این اواخر، این مساله اتفاق افتاده است و مناسبات آمریکا - جمهوری آذربایجان از این مساله اذیت می کشد. تاریخچه یک مساله دیگر که در این مناسبات باید حل شود، به سال 1992 باز می گردد. در این سال، تحت تاثیر لابی ارمنی در واشنگتن، کنگره اصلاحیه ماده 907 قانون حمایت از آزادی را تصویب کرد. این ماده، از کمک نظامی آمریکا به جمهوری آذربایجان جلوگیری می کند و جمهوری آذربایجان را در جنگ با ارمنستان، به عنوان طرف متجاوز نشان می دهد. این مساله، خیلی جلب توجه می کند. باید توجه کنیم که 20 درصد از اراضی جمهوری

آذربایجان که توسط جامعه بین المللی به رسمیت شناخته شده ، توسط ارمنستان اشغال شده است. هم اکنون بیش از 620 هزار نفر آذربایجانی که در اوایل دهه 1990 آواره شدند، در این کشور وجود دارند. دولت جرج بوش، پس از حملات یازده سپتامبر ، ایفای نقش جمهوری آذربایجان را در عملیات افغانستان و عراق پذیرفت و همه ساله ، اجرای اصلاحیه ماده 907 را معلق می کرد و به این ترتیب، اجرای این ماده متوقف شد. مایه خوشحالی است که بنا به دلایلی، دولت اوباما نیز همانند دولت بوش، از اجرای اصلاحیه 907 خودداری می کند. اما، جمهوری آذربایجان تنها جمهوری شوروی سابق است که علیه آن ، محدودیت هایی همچون اصلاحیه 907 وجود دارد. حتی ناظران عادی نیز می توانند متوجه این موضوع شوند که منبع اصلی اصلاحیه ماده 907 ، از انگیزه های یک گروه لابی منشأ می گیرد و با استراتژی کلی و اهداف آمریکا در منطقه ارتباطی ندارد. « مدیر بنیاد هریتیج افزوده است : « ممکن است برخی نگرانی ها در مورد حقوق بشر در جمهوری آذربایجان وجود داشته باشد. اما، در چشم انداز بلند مدت، بجای انتقاد دائمی، حمایت از باکو در مسیر پیشرفت بسوی یک مدیریت کامل با مشارکت آمریکا مورد نیاز است. برقراری دموکراسی ، یک روند است، صرفاً یک برنامه نیست. حتی نگاهی اجمالی به تاریخ خود آمریکا نیز این موضوع را به اثبات می رساند. آمریکا باید برای برقراری مناسبات با جمهوری آذربایجان، استراتژی تدوین کند. این استراتژی ، باید دوستی و احترام متقابل، رفاه اقتصادی و استفاده متمرکز از ذخایر انرژی را تبلیغ کند و نتایج نفوذ روسیه و ایران و چین را در نظر بگیرد. «

مدیر بنیاد هریتیج افزوده است : « برقراری مجدد مناسبات آمریکا با جمهوری آذربایجان، با چند سفر نمادین مقامات سطح بالا ، به راحتی می تواند آغاز شود. آمریکا برای برقراری مناسبات با این منطقه، باید بیشتر مقاماتی در سطح کابینه را اعزام کند. باید نمایندگان کنگره به اینجا بیشتر سفر کنند و سفر نمایندگان جامعه مدنی و مراکز تولید فکر آمریکا به این منطقه تدارک دیده شود. در سطح هیات دولت، آخرین سفری که به منطقه خزر انجام شد، سفر هیلاری کلینتون وزیر خارجه پیشین به قفقاز جنوبی در سال 2012 بود. اگر این را با ماه های پس از حوادث یازده سپتامبر مقایسه کنیم، در آن زمان، تنها دونالد رامسفلد وزیر دفاع آمریکا چهار بار به جمهوری آذربایجان سفر کرده بود. «

لوک کافی افزوده است : « در برهه ای که گروه هایی نظیر داعش سربرآورده اند، برای جلوگیری از استفاده شدن این منطقه به عنوان مسیر ترانزیتی و جذب همکار برای افراط گرایان اسلامی، آمریکا باید با جمهوری آذربایجان همکاری کند. افزایش امکانات در بخش امنیتی و مبادله بهتر اطلاعات میان ارگان های امنیتی آمریکا و جمهوری آذربایجان در این زمینه می تواند شامل این همکاری بشود. آمریکا باید در مطرح شدن بین المللی مساله اشغال قره باغ و نواحی اطراف آن توسط ارمنستان، نقش مهم تری ایفاء کند. واشنگتن همچنین باید به مناسبات نزدیک ایروان با روسیه و ایران توجه داشته باشد. سیاستمداران آمریکا باید درک کنند که هر حرکت حکومت جمهوری آذربایجان باید از زاویه دید اشغال قره باغ کوهستانی توسط ارمنستان، دیده شود و در نظر گرفته شود که این مساله ، از عوامل اصلی تعیین کننده در سیاست خارجی و داخلی باکو می باشد. «

مدیر بنیاد هریتیج افزوده است : « آمریکا باید از تمامی متحدان شایسته خود حمایت نظامی بکند و امنیت آنها را تامین نماید. هم اکنون ، آمریکا در مقابل خود جمهوری آذربایجانی را می بیند که نقش خود را در منطقه درک و با احتیاط رفتار می کند و از نقطه نظر جهانی، برای حفظ توافق در مناسباتش با روسیه و غرب تلاش می کند. از نقطه نظر منطقه ای نیز ، جمهوری آذربایجان با حفظ توازن میان روسیه و ایران، تا حد امکان خواستار حفظ استقلال خود است. جمهوری آذربایجان به عنوان رهبر اقتصادی منطقه قفقاز جنوبی، به حضور مهم اقتصادی در منطقه خزر ادامه خواهد داد. اگر سیاست درستی درپیش گرفته شود، مناسبات آمریکا- جمهوری آذربایجان می تواند به نفع هر دو کشور خدمت کند. جمهوری آذربایجان به رویکرد نگاه به غرب ادامه خواهد داد. این کشور درک می کند که آمریکا می تواند به این منطقه بیاید و همچنین از اینجا خارج شود. اما، روسیه و ایران همواره در اینجا حضور دارند. به همین علت نیز آمریکا باید مناسباتش را با جمهوری آذربایجان استمرار بخشد و جمهوری آذربایجان را به داشتن مناسبات خوب با همسایگانش و همچنین همکاری عمیق تر با غرب سوق دهد. جمهوری آذربایجان همواره برای امنیت و اقتصادی این منطقه نقش مهمی داشته است. پتر کبیر در سال 1723 ، به هنگام تصرف باکو در جنگ با ایران ، این شهر را کلید منطقه توصیف کرده بود. در زمانه ما نیز همین واقعیت حفظ شده است. اگر واشنگتن استراتژی ای داشته باشد که در ارتباط با روسیه در حال شکوفایی و ایرانی که جسارتش افزوده شده، کار کند و امنیت انرژی اروپا را بهبود بخشد و با تروریسم مبارزه کند، استراتژیست های واشنگتن نمی توانند از این منطقه چشم پوشی کنند. نمی توان جمهوری آذربایجان را که رهبر منطقه ای است، در نظر نگرفت. «